

# مطالعات جغرافیایی

برت فراگنر

(فراپورگ-آلمان)

## تحقیقات جغرافیایی مربوط به ایران

تقریباً يك قرن پیش واژه "Iranistik" و یسا "Iranologie" یعنی «ایرانشناسی» در زبانهای اروپایی رواج پیدا کرد و معنی اصلی این اصطلاح در آن زمان مخصوصاً به تحقیقات علمی مربوط به زبانها و لهجه‌های گوناگون ایرانی اشاره کرد. ولی در دوره معاصر رشته‌های علمی غیر از زبانشناسی هم مشغول به بررسیها و تحقیقات راجع به مطالب مختلف مربوط به ایران و تاریخ و فرهنگ ایرانیان گردیدند و محدود کردن معنی آن اصطلاح «ایرانشناسی» به امور زبانشناسی دیگر امکان‌پذیر نیست. در حقیقت «ایرانشناسی» به معنی معاصر ترکیب شده است از رشته‌های گوناگون یا به‌گویی دقیقتر، اعضای مختلف این رشته‌ها که تحقیقات خود را به مطالب و موضوعهای ایرانی متمرکز کرده‌اند.

از آن جمله باید به تحقیقات جغرافی اشاره کرد و بخصوص به بررسیهای مربوط به ایران که جغرافیادانان دانشگاه ماربورگ در آلمان غربی در سالهای اخیر منتشر نموده‌اند. انستیتوی جغرافی ماربورگ تحت نظارت پرفسور اکسارت اهلرز (Eckart Ehlers) یکی از مراکز مهم تحقیقات جغرافی راجع به ایران نه‌تنها در آلمان ولی در تمام اروپا می‌باشد. بدین دلیل شاید بجا باشد چند جمله از آن تحقیقات که در سلسله مخصوص این انستیتو چاپ شده است در مجله «آینده» معرفی کنم تا علاقه‌مندان ایرانی نیز از کارها و اندیشه‌های ایرانشناسان آلمان اطلاع جدیدی را

---

\* نویسنده دانشمند که اطریشی است و در دانشگاه فراپورگ آلمان استاد ایرانشناسی این مقاله را به فارسی نوشته و فرستاده است. در نامه خود از ما خواسته‌اند که فارسی آن را به اسلوب نوشته ایرانیان درآوریم. ولی ما بهتر دیدیم که در آن دست نبریم تا مهارت نویسنده در فارسی نویسی معلوم شود. (آینده)

بدست بیاورند. پنج جلد کتاب که در زیر معرفی خواهیم کرد همه در سلسله  
Marburger Geographische Schriften

انتشار یافتند و بدین شرح می‌باشند.

Georg Stöber: Die Ashār. Nomadismus im Raum Kerman (Zentraliran),  
MGS Nr. 76, Marburg 1978.

Eckart Ehlers (Hrsg): Beiträge zur Kulturgeographie des Islamischen  
Orients, MGS Nr. 78, Marburg 1979.

Oskar Meder: Klimaökologie und Siedlungsgang auf dem Hochland von  
Iran in vor- und frühgeschichtlicher Zeit, MGS Nr. 80,  
Marburg 1979.

Michael Edward Bonine: Yazd and its hinterland, MGS Nr. 83, Marburg  
1980.

Georg Stöber: Die Sayād Fischer in Sistān, MGS Nr. 85, Marburg 1981.

هر یکی این پنج جلد کتاب مربوط به مطلبی است که جزو رشته «جغرافیای  
فرهنگی» یا «جغرافیای تمدنی» به حساب می‌رود. در هر دو کتاب خود آقای گنورک  
اشتویبر (Georg Stöber) یک جامعه دور از مراکز کشور را تحت تحقیق قرار می‌گذارد.  
در کتاب اول اشتویبر سعی می‌کند زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی اعضای ایل  
افشار در اطراف کرمان معرفی می‌کند و در ضمن نقش آنان و نقش سایر عشائر  
کوچ‌کننده در جامعه ایران فعلی تحت تحقیق قرار دهد.

در کتاب دیگر خود یعنی در رساله‌ای راجع به ماهیگیران کنار رودخانه‌ها و  
دریاچه‌های منطقه هامون در سیستان اشتویبر تحقیقات خود را درباره مناسبات زیستی  
یک جامعه بسیار فقیر با یک چهارچوب نظری احاطه می‌کند. او با نظر به اوضاع  
اجتماعی و اقتصادی در سرزمینهای عقب‌افتاده جهان سوم فرق و تفاوت مهمی را  
بین عناصر مرکزی و عناصر دور از مرکز تشخیص می‌دهد و طرز زندگی ماهیگیران  
ذکر شده را از این دیدگاه تجزیه می‌کند (MGS 85).

مایکل ادوارد بونین (Michael Edward Bonine) در کتابی درباره شهر  
و شهرستان یزد علاقه خود را به ارتباطهای گوناگون مابین یک شهر ایرانی متوسط و  
دهات و مناطق زراعتی اطراف آن کشیده است و تحقیقات اجمالی در اختیار خوانندگان  
می‌گذارد (MGS 83). این مناسبات از روی طبقات مختلف نشان داده می‌شود. مؤلف  
بدین طریق بستگی دهات را به تأسیسات مرکزی واقع در شهر یزد اثبات می‌کند و  
به تفصیل شرح می‌دهد. تأسیسات مذکور از قبیل اداری و اقتصادی و بخصوص  
تجارتی هستند ولی همچنین بستگی مناطق دور از مرکز به مراکز بر پایه اجتماعی  
و خانوادگی و حتی مذهبی و دینی می‌باشد.

به نظر خود بنده کتاب دانشمندی به نام Oskar Meder (اسکار مدر) یکی از  
جالب‌ترین کتب سالهای اخیر می‌باشد. مدر سعی می‌کند که مناسبات میان اوضاع آب  
و هوا و محیط زیست و تعیین مسکن و دیپها و شهرها و تغییرات آنها در دوره

مقابل تاریخ را بررسی کند، جهت توفیق بیشتری در تحقیقات خود مؤلف تسریدی نداشت خود را در مناطق شرقی ایران به درون چاههای قنات فرو ببرد تا قادر باشد در طبقات مختلف زیر سطح زمین نسبت به دوره‌های مختلف استخوان و تیکه‌های سفالی و سنگها و باقی‌مانده‌های گیاهان و درختان و گلها و غیره را تشخیص بدهد. بنابراین نظم آنها و مقایسه آنها را با معلومات تاریخی و باستانشناسی مدرن به نتایج دلکش و جازب می‌رسد و واقعاً می‌توان گفت که به باب مهمی از تاریخ اوائل تمدن و مسکن‌گذاری ایران تشریح معتبری کرده است (MGS 80) .

آخرین کتابی که در اینجا مورد معرفی قرار می‌گیرد جلدیست دارای هفت مقاله نسبتاً کوتاه (MGS 78) که ترتیب‌دهنده آن پرفسور اهلرز نامبرده می‌باشد. در این مجموعه نیز چهار مقاله ارتباط مستقیمی به مطالب ایرانی دارند. دکتر اشتویبر مذکور معنی صحراگردی یعنی بدویت nomadism از دیدگاه نظری جامعه‌شناسی بررسی می‌کند. مقاله دیگری به تحقیقی راجع به شبکه بازارهای موقت و متحرک در بعضی از مناطق دوردست ایران اهدا شده است. پرفسور اهلرز نیز مقاله‌ای را تألیف کرده است درباره طرز کار دستجمعی در کشاورزی سنتی ایرانی که تحت اصطلاح بعد شهرت پیدا کرده است. بالاخره مقاله‌ای راجع به شهر سیرجان و مناطق مربوطه به آن نیز یافت می‌شود. این مقاله مانند عناوین فوق‌الذکر هم مثال خوبی برای روش تحقیقاتی جغرافیادانان آلمانی ایران‌شناس می‌باشد و مخصوصاً امکان استعمال ارقام آماری جهت کسب اطلاعات دقیق و جالب درباره امور بازاری و تجارته را واضح می‌کند.

## آشنائی با اهلرس

اکارت اهلرس E. Ehlers استاد رشته جغرافیای دانشگاه مازبورگ و متصدی مؤسسه جغرافیائی آن دانشگاه یکی از متخصصان بی‌بدیل جغرافیای طبیعی و انسانی ایران است. تحقیقات او در زمینه مباحث جغرافیائی ایران تنوع دارد، هم از حیث مناطق و هم از موضوع. او درباره دریای خزر و شهرهای مازندران و کیلان و خوزستان و خراسان و ترکمن صحرا و کوه الوند از لحاظ طبیعی و درباره طبس و دزفول و دریای مازندران و بازاراندازه‌های کاروانیان در راههای قدیم از لحاظ جغرافیای تاریخی و درباره آب و هوا و آبیاری و عشایر و طوایف و جهانگردی خارجی از نظر جغرافیای اجتماعی و انسانی مطالعات متعدد بصورت کتاب و مقاله دارد. مشخصات تحقیقات او را باید در جدیدترین کتابش که خود کتابشناسی جغرافیائی ایران است دید.

Echart Ehlers.— Iran. A Bibliographic Research Survey. München, K. G. Saur. 1980.

معرفی این کتابشناسی مفید در یکی از شماره‌های آینده خواهد

آمد.

